پس درباره او در میان مردم اختلاف افتاد. و بعضی از ایشان خواستند او را بگیرند و لکن هیچکس بر او دست نینداخت. یوحنا 7: 43 - 44

در مطالعه خود در مورد خوراک به پنج هزار نفر در یوحنا 6، متوجه شدیم که چگونه تهیه نان توسط عیسای مسیح باعث شد مردم او را با موسی و نجاتی که برای مردم فراهم ساخته بود مقایسه کنند. اسرائیل در طول خدمات موسی به طور معجزه آسایی در بیابان نان دریافت کرده بود (خروج 16). بنابراین مردم با ملاحظه فراهم شدن نان و ماهی‌ در بیابان توسط عیسی، فکر کردند که اتفاق شگفت انگیزی در حال به وقوع پیوستن است. این که یهودیان قرن اول به آزادی از سلطه رومیان امیدوار بودند نیز به این طرز فکر کمک کرد. شاید آنها فکر می‌کردند همانطور که موسی آنها را از مصر آزاد کرد، عیسی نیز می‌تواند موسایی جدید باشد و آنها را از سلطه روم آزاد کند.

اما خوراک به پنج هزار نفر تنها موقعیتی نبود که یهودیان را وادار به مقایسه عیسی با موسی یا خدمات او می‌کرد. آنها درست پس از آنکه عیسی در عید خیمه‌ها اعلام کرد که منبع آب زنده است، دوباره او را به موسی ارتباط دادند. ما این موضوع را در آیات 40 تا 42 می‌بینیم. در این آیات می‌خوانیم که برخی در اورشلیم پس از آنکه سخنان عیسی را شنیدند حدس زدند که او یک «نبی» است. یهودیان قرن اول بر اساس متونی مانند تثنیه 18: 15به دنبال نبی جدیدی مانند موسی بودند. از آنجایی که موسی از طریق انجام معجزات برای اسرائیل آب فراهم ساخته بود، طبیعی بود که مردم تصور کنند موسای جدید در قالب عیسی به کمک آنها آمده است؛ کسی که مانند موسی معجزه می‌کند و مدعی است که منبع آب زنده است (خروج 17: 1-7؛ اعداد 20: 10-13).

با این حال، همه جمعیت حاضر با این اظهار نظر موافق نبودند. برخی دیگر فکر می‌کردند که عیسی ممکن است همان مسیح موعود باشد. اگرچه ما امروز می‌دانیم که نبی وعده داده شده در تثنیه 18: 15 و مسیح موعود هر دو یک نفر هستند اما بسیاری از یهودیان قرن اول آنها را به عنوان دو شخصیت متمایز می‌دیدند. بسیاری از یهودیان تصور می‌کردند که مسیح موعود باید از بیت‌لحم بیاید اما عیسی را فقط یک جلیلی می‌دیدند (یوحنا 7: 41-42؛ میکاه 5: 2-5 را ببینید). یوحنا زمانی انجیل خود را می‌نوشت که سه انجیل دیگر به تألیف درآمده بودند. بنابراین یوحنا می‌دانست که بسیاری از مخاطبان او می‌دانند که عیسی در واقع در بیت‌لحم متولد شده است (متی 2: 1). مخالفان نسبت به اینکه «مسیح موعود باید از بیت‌لحم بیاید» حق داشتند اما آنها در مورد اینکه عیسی در اصل اهل بیت‌لحم نبود اشتباه می‌کردند.

مردم بر سر اینکه آیا عیسی یک نبی است یا مسیح موعود و یا شخصی دیگر اختلاف داشتند. برخی از آنان سخنان او را چنان آزاردهنده می‌دیدند که می‌خواستند او را دستگیر کنند (یوحنا 7: 43-44). اما افسران معبد نتوانستند خود را مجاب به انجام این کار کنند. آنها قدرت آشکار او را دیدند و از دستگیری او ترسیدند (آیات 45-46).

زمانی که شخصی با عیسای مسیح مواجه می‌شود، در نهایت نمی‌تواند بی‌طرف بماند؛ یا به او ایمان می‌آورد یا او را رد می‌کند. هیچ حد وسطی وجود ندارد. وقتی که عیسای مسیح و انجیل او را به طور صحیح اعلام می‌کنیم، برخی ایمان خواهند آورد و برخی از اعتراف به او به عنوان نجات دهنده خودداری خواهند کرد. ما نمی‌توانیم عیسی را به شکلی که فکر می‌کنیم بهتر و عامه‌پسندتر است تغییر دهیم تا بدین شکل مردم را به پذیرش او تشویق کنیم. همه باید عیسی را به همان شکلی که خود را آشکار کرده است ببینند و بپذیرند، در غیر این صورت به هیچ وجه او را نخواهند داشت.

## پدر آسمانی از تو سپاسگزارم که نه تنها یگانه فرزندت را برای من قربانی کردی بلکه به من این درک را دادی تا او را آنگونه که هست بشناسم. پدر به من کمک کن تا مسیح را به گونه‌ای که هست به دیگران معرفی کنم. به آنها نیز قدرت بده تا مسیح حقیقی را ببینند و بپذیرند. آمین!

اقتباسی از لیونر مینیستری (Ligonier Ministry)